

بازنمایی «عاملیت» زنان در آثار سیمین دانشور و فریبا وفی

ابراهیم ظاهری عبدوند*

پریوش میرزاییان**

امین بنی طالبی***

چکیده

عاملیت زنان، جایگاهی مهم در پژوهش‌های فمینیستی دارد؛ زیرا عاملیت، موجب استقلال، توانمندسازی زنان و در نتیجه توسعه جوامع می‌شود. هدف این پژوهش مقایسه نگرش دانشور و وفی به نقش کارگزاری زنان بر اساس رمان‌هایشان است. روش این پژوهش، مبتنی بر روش تحلیل محتوا و چارچوب نظری آن، نظریه فمینیسم و نگرش بوردیو است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو نویسنده نگرش عاملیت زنان را بر رفاه‌گرایی ترجیح داده‌اند. دانشور، بیشتر به عاملیت زنان در عرصه سیاسی، و برای شکستن عادت‌واره‌های سنتی، به سرمایه اجتماعی توجه نشان داده است؛ در حالی که وفی، نقش عاملیت زنان را در عرصه اجتماعی و فرهنگی برجسته کرده و در این زمینه، سرمایه فرهنگی

zaheri_1388@yahoo.com

mirzaeyan90@gmail.com

Aminbanitalebi@yahoo.com

*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)

**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

***دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

را مؤثر دانسته است. در آثار هر دو نویسنده، زنان عامل، مهمترین شخصیت‌های داستانی‌اند که از طبقه متوسط جدید هستند و تحصیلات دانشگاهی دارند. زنان عامل در رمان‌های دانشور، بیشتر نگرش فمینیستی دارند؛ اما در رمان‌های وفی نگرشی بین‌بین.

واژه‌های کلیدی: دانشور، وفی، شخصیت زنان، عاملیت، سرمایه

1) مقدمه

کارگزاران مختلفی مانند نخبگان، جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های فشار، در ایجاد تغییر اجتماعی، یعنی تغییری که حالتی پایدار دارد، در طول زمان قابل مشاهده است، روی ساخت سازمان اجتماعی یک جامعه تأثیر می‌گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون می‌کند (روشه، 1387: 30)، نقش دارند. با طرح عاملیت، به نقش کارگزاری کنشگران در شکل‌دهی به تغییرهای اجتماعی توجه می‌شود؛ کنشگرانی که در فرایندهای اجتماعی حضور و مشارکت فعال دارند و تلاش می‌کنند تغییر را ایجاد کنند یا در تغییر اثر گذارند (جوادی یگانه و لاکانی، 1381: 24). در جوامع پیشاصنعتی، بر اساس نگرش جنسیتی، بیشتر بر نقش کارگزاری مردان در جامعه تأکید می‌شد. در چنین جوامعی از زنان خواسته می‌شد که در حیطه خصوصی بمانند و به مسائل حوزه عمومی و اجتماع کاری نداشتند باشند که این امر، موجب به حداقل رسیدن نقش کارگزاری زنان در ایجاد تغییرات اجتماعی می‌شد؛ اما با رواج نگرش‌های فمینیستی، عاملیت زنان نیز مطرح شد. عاملیت زنان، «به معنای توانایی تصمیم‌گیری‌های استراتژیک در محدودیت‌های در دست تکامل تاریخی بوده است که منابع اجتماعی نسبت به آن را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین در سطح شناختی و رفتاری مدنظر بوده است که روابط گروهی در سطح اجتماعی را شامل می‌شود» (مرادی، 1397: 152). عاملیت زنان موجب توانمندسازی، ایجاد حس استقلال و اعتماد به نفس در زنان می‌شود و در نتیجه، آنان می‌توانند نقش فعال و مؤثری در هر جامعه‌ای داشته باشند؛ به گونه‌ای که موجب بهبود وضعیت زندگی فردی خود و هم توسعه جوامع شوند. عوامل مختلفی مانند افزایش سطح تحصیلات، اشتغال خارج از خانه، تغییر هنجارهای حاکم بر حضور زنان در اجتماع و همچنین حضور در عرصه‌های سیاسی، در عاملیت زنان نقش دارند. البته موانعی نیز مانند نگرش‌های مردسالار، خشونت و قانون، بر سر راه عامل شدن آنان قرار دارد.

از دوره مشروطه، در ایران، بر اساس نگرش‌های مختلف، کوشیده شد تا تغییراتی در وضعیت زندگی زن سنتی ایجاد شود. در این زمینه، عاملیت زنان مهمترین نقش را در کاهش و از بین بردن تبعیض و نابرابری‌هایی که برای رفاه اجتماعی و اقتصادی زنان آسیب‌زا بوده‌اند، داشته

است. عاملیت در حال تحول زنان یکی از واسطه‌های اصلی تغییرات اقتصادی و اجتماعی است و تعیین موقعیت و نتایج آن، ارتباط تنگاتنگی با بسیاری از جنبه‌های اصلی فرایند توسعه دارد. در نتیجه، عاملیت زنان عنصری حیاتی در تغییرات اجتماعی است؛ آن چنان که فیلسوف و جامعه‌شناسی چون هابرماس و جامعه‌شناسی چون آلن تورن، سرنوشت و آینده ایران و همچنین روند نوسازی آن را در ارتباط مستقیم با ذهن و اندیشه زنان و دختران جوان ایران می‌دانند (غفاری و ابراهیمی لویه، 1383: 190-192).

برای شناخت مسأله عاملیت زنان در ایران، می‌توان از آثار ادبی به‌خصوص رمان‌ها استفاده کرد؛ زیرا نویسندگان فمینیستی، کوشیده‌اند در این آثار هم وضعیت جامعه را در این زمینه نشان دهند و هم با انتقاد از وضع موجود، زمینه را برای ایجاد تغییرات فراهم کنند. در حقیقت رمان در دست برخی از این نویسندگان، به‌ویژه نویسندگان زن، هم ابزاری برای آگاهی‌بخشی به زنان بوده است و هم وسیله‌ای برای ایجاد تغییرات لازم در این زمینه. بر این اساس، در این پژوهش کوشش می‌شود نگرش دانشور و وفی به عاملیت زنان، بر اساس رمان‌های شان بررسی و مقایسه شود. اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از: بررسی و مقایسه میدان و حوزه‌های عاملیت زنان و فراوانی آن‌ها در رمان‌های دانشور و وفی و تأثیر سرمایه‌های مختلف در شکستن عادت‌واره‌ها در هر میدان؛ مقایسه جایگاه شخصیت‌های عامل و فراوانی آنان در داستان‌های این نویسندگان؛ مقایسه رابطه عاملیت زنان با طبقه اجتماعی، سن، شغل، وضعیت زندگی و نوع نگرش با توجه به بسامد هر مورد.

رمان‌های انتخاب شده عبارتند از: سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان از دانشور و رمان‌های پرنده‌ی من، ترلان، رؤیای تبت و ماه کامل می‌شود از فریبا وفی. علت انتخاب رمان‌های این دو نویسنده، هم شاخص بودن آثار این دو نویسنده در جریان رمان‌نویسی فارسی است و هم جایگاه و نگرش آنان به عنوان دو نویسنده فمینیستی تأثیرگذار در جامعه ایرانی به مسائل زنان.

2) چارچوب نظری و روش پژوهش

مبنای نظری این پژوهش، نگرش فمینیستی و استفاده از دیدگاه بوردیو در مورد سرمایه در این زمینه است. با طرح جنبش‌های اجتماعی زنان، به نقش عاملیت زنان در تحقق تغییرات اجتماعی توجه بیشتری شد؛ به گونه‌ای که در نگاه به زنان، نوعی تحول در اهداف و دیدگاه‌ها دیده می‌شود؛ چنان که نگرش از دیدگاه‌های رفاه‌گرایانه به سوی عامل‌گرایانه تغییر کرده است. در دیدگاه عامل‌گرایانه، دیگر به زنان به صورت دریافت‌کنندگان منفعل کمک برای ارتقای رفاه-

شان نگریسته نمی‌شود؛ بلکه به زن‌ها هم به عنوان عوامل فعال برای ایجاد تحول و هم به صورت ترویج‌کنندگان دگرگونی‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند زندگی زنان و مردان را متحول سازند، نگریسته می‌شود (غفاری و ابراهیمی لویه، 1383: 190)؛ بنابراین باید گفت از جمله خواسته‌های فمینیستی، دستیابی زنان به استقلال و توانمندسازی آنان برای ایجاد تغییرات در میدان‌ها و حوزه‌های مختلف زندگی است که برای ایجاد این توانمندسازی، نگرش‌های مختلفی وجود دارد.

از نظر بورديو «زنان در جامعه مدرن، سرمایه‌هایی در اختیار گرفته‌اند که در میدان‌های اجتماعی (از جمله میدان خانواده) آنان را واجد قدرت بیشتری کرده است. افزایش سرمایه‌های در دسترس زنان، باعث بازتوزیع قدرت در میدان و منازعه بر سر بازتعریف قواعد شده است که نمود آن در باز توزیع بین کسانی تجلی می‌یابد که از موقعیت مسلط در میدان بهره‌مند هستند (مردان) و قدرت خود را در جهت تثبیت هر چه بیشتر تعریف و توزیع سنتی سرمایه به کار می‌برد یا کسانی که با سنت‌شکنی خواهان ارتقای موقعیت فرودست خود با توسل به دگرگونی قواعد هستند (زنان)» (مرادی، 1397: 156). بورديو از انواع متخلف سرمایه نام برده است که قشرهای مختلف جامعه از جمله زنان می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها به تغییرات دست بزنند؛ مانند سرمایه نمادین که «شکلی از سرمایه است که هر نوع سرمایه به خود می‌گیرد، وقتی که از رهگذر مقولات فاهمه‌ای درک می‌شود که محصول ذهنی شدن تقسیم‌بندی‌ها و تضادهایی است که در ساختار توزیع آن نوع سرمایه وارد شده است» (بورديو، 1394: 155). سرمایه اقتصادی ناظر بر منابع، درآمد و دارایی‌های مالی فرد می‌شود و سرمایه اجتماعی مرتبط با عضویت در گروه‌های اجتماعی و شامل انواع روابط ارزشمند با دیگران است. سرمایه فرهنگی، شامل مهارت‌ها، عادات، منش، مدارک آموزشی، ذوق، سلیق، سبک زندگی و امثال این موارد می‌شود (الوانی و نقوی، 1381: 4-5). از نظر بورديو، زنان می‌توانند با بهره‌گیری از این سرمایه‌ها در حوزه‌ها و میدان‌های مختلف که پهنه نبرد هستند، با تغییر منش و عادت‌واره‌ها، نقش فعالی در هر میدان بیابند. در این پژوهش نیز کوشیده شد اطلاعات مربوط به عاملیت زنان (میدان‌های عاملیت، سرمایه‌های زنان، شخصیت‌های زن عامل، طبقه اجتماعی، سن، سواد و ...) طبقه‌بندی، واحد مضمون، به عنوان واحد تحلیل انتخاب و سپس فراوانی هر طبقه مشخص شد. برای کدگذاری نیز پس از بررسی مؤلفه‌های موردنظر و تعیین آن‌ها، مطالب مربوط در زیر هر عنوان قرار داده شد و سپس بر اساس آمار حاصل شده، به تحلیل دیدگاه دانشور و وفی در مورد عاملیت زنان پرداخته و نگرش‌های آن دو با هم مقایسه گردید.

3) پیشینه پژوهش

درباره شخصیت زن در آثار مذکور، تاکنون در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله، آثار مختلفی چاپ شده است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) میرعبدینی در کتاب «صد سال داستان نویسی»، ضمن بررسی و معرفی شخصیت‌های زن در آثار دانشور و مشخص کردن محتوای آثار وی، به مسأله مبارز بودن زن در رمان سووشون و مدرنیته و تأثیر آن بر زندگی زنان در آثار دانشور توجه نشان داده است (میرعبدینی، 1380: 474 و 605).

ب) نویسنده کتاب «کارنامه نثر معاصر فارسی»، با بررسی آثار دانشور، به این نتیجه رسیده است که «دانشور به عنوان یک نویسنده زن سعی داشته است ظلم‌ها، گرفتاری‌ها، جهل‌ها و خرافاتی که در ایران بر زنان رفته و می‌رود، نشان دهد و بیشتر شخصیت‌های آثارش را زنان تشکیل می‌دهند» (عبدالهیان، 1396: 65).

ج) نرگس باقری نیز در کتاب «زنان در داستان» به بررسی شخصیت‌های زن قهرمان در ادبیات داستانی پرداخته است.

د) قبادی و نوری در مقاله «نمادپردازی در رمان‌های دانشور»، شخصیت‌های زن را از جنبه نمادین بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از نام‌های شخصیت‌ها در آثار این نویسنده، نمادین هستند و از این طریق، نویسنده فضای اجتماعی جامعه ایران را ترسیم کرده است (قبادی و نوری، 1386: 82).

ه) عباس‌زاده و طاهرلو، در مقاله‌ای با عنوان «سیمای زن در آثار سیمین دانشور» به توصیف شخصیت‌های زن و ویژگی‌های مثبت و منفی این زنان پرداخته‌اند (عباس‌زاده خداوردی و طاهرلو، 1390: 31-50).

و) کهدویی و شیروانی در مقاله «شخصیت‌پردازی قهرمانان زن در رمان‌های شوهر آهوخانم و سووشون»، شخصیت‌های زن را از نظر طبقه اجتماعی، تنوع، تحول، فکر و عمل بررسی کرده‌اند (کهدویی و شیروانی، 1388: 78-79).

ز) مالمیر و زاهدی، در مقاله «ساختار روایت زنانه در رمان پرنده من نوشته فریبا وفی» به این نتیجه رسیده‌اند که وفی در این اثر به اعتراض درباره وضعیت زنان پرداخته‌اند که این اعتراض بیشتر جنبه آگاهی بخشی دارد و برای بهبود وضعیت زنان است (مالمیر و زاهدی، 1393: 67).

ح) قربانی جویباری در مقاله «زبانمایی هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف»، به این نتیجه رسیده است که در این مجموعه داستان، زنان، وابسته به مرد و غیرمستقل تصویر شده‌اند (قربانی جویباری، 1394: 219-245).

طا) حسینی و سالار کیا با بررسی رمان «رویای تبت» به این نتیجه رسیده‌اند که سه شخصیت زن در این رمان تلاش می‌کنند با تکیه بر سرمایه‌هایی که دارند به بخش مسلط جامعه وارد شوند (حسینی و سالار کیا: 1392، 17-40).

گفتنی است که در هیچ کدام از آثار نوشته شده درباره این دو نویسنده، به مسأله عاملیت زنان و مقایسه نظر این دو نویسنده با هم توجه نشده است که در این پژوهش کوشیده می‌شود از این منظر، رمان‌های این دو نویسنده بررسی و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: عاملیت زنان در رمان‌های این دو نویسنده در کدام میدان‌ها بیشتر است؟ برای ایجاد نقش عاملیت زنان، این نویسندگان به کدامیک از سرمایه‌ها بیشتر توجه نشان داده‌اند؟ شخصیت‌های زن عامل چه جایگاهی در داستان‌های آنان دارد؟ زنان عامل، از کدام طبقه اجتماعی هستند؟ سن، تحصیلات و وضعیت زندگی آنان چگونه است؟ چه نگرش جنسیتی دارند و شیوه بازنمایی آنان در رمان‌ها چگونه بوده است؟

4) انواع عاملیت زنان

عاملیت شخصیت‌های زن، در میدان‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

4-1) عاملیت زنان در عرصه سیاسی

از نظر سیاسی، در جامعه سنتی از زنان خواسته می‌شود که در سیاست دخالت نداشته باشند؛ زیرا امور سیاسی، کارهای مردانه دانسته شده است: «زنان در همه جا اساساً با پرورش کودکان، نگهداری و اداره خانه سر و کار دارند؛ در حالی که فعالیت‌های سیاسی و نظامی در همه جا مردانه است» (گیدنز، 1381: 205) یا این که فعالیت سیاسی زنان، در مقابل فعالیت‌های مردان ناچیز شمرده می‌شود: «هرگاه از زنان ذکری به میان آمده است، برای رفتار سیاسی آنان در قیاس با مردان، اصالت کمتری قائل شده‌اند» (آبوت و والاس، 1387: 249). در جامعه ایرانی نیز این عادت‌واره وجود داشته است: «افکار، اندیشه‌ها، سنت‌ها و عادت‌های مردم، عرفی را ساخته بود که حضور زن در جامعه و شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی را [...] بر نمی‌تافت» (ناجی‌راد، 1382: 274). در داستان‌های دانشور، سیاست، از جمله میدان‌هایی است که برای حضور زنان در آن، در بین زنان و مردان ستیز ایجاد شده است و برخی از مردان، بر سر حضور زنان در این حوزه، مانع ایجاد کرده‌اند؛ اما زنان در داستان‌های دانشور می‌توانند سرانجام بر این موانع غلبه - کنند؛ چنان که زهرا در داستان سووشون، از سوی خان کاکا از ورود به سیاست منع می‌شود؛ اما

یوسف او را تشویق می‌کند که سرانجام، وی منش و عادت‌واره خود مبنی بر عدم دخالت زنان در سیاست را تغییر می‌دهد. در داستان جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان نیز هستی از سوی سلیم به دخالت نکردن و از سوی مراد به دخالت در فعالیت‌های سیاسی تشویق می‌شود. دیگر شخصیت‌های داستان مانند فاطمه، توران، سیمین و فرخنده، فعالیت سیاسی دارند و فعالیت آنان نیز پذیرفته شده است. همان‌گونه که در جدول 1 نشان داده شده است، از نظر بسامد، زنان، بیشتر (37٪) می‌کوشند در زمینه‌های سیاسی مانند مبارزه سیاسی کردن، عضو احزاب شدن و شرکت در گفت‌وگوهای سیاسی، عاملیت خود را اثبات کنند که فعالیت‌های آنان در این زمینه، معمولاً با مخالفت مردان مواجه می‌شود. تغییر در ساختار سیاسی و تفکرات حاکم بر این حوزه، می‌تواند دیگر عرصه‌های زندگی از جمله ساختار خانواده را دچار تغییر کند؛ بنابراین دانشور، این زمینه اصلی را که می‌تواند دیگر عرصه‌های زندگی را دچار تحول کند، مورد توجه قرار داده و از زنان خواسته است تا عاملیت خود را در این حوزه انجام دهند. در داستان‌های فریبا و فی تنها 14٪ از زنان توانسته‌اند در مسائل سیاسی نقش داشته باشند. در «رویای تبت» شیوا همراه همسرش و دیگر مردان داستان، در فعالیت‌های سیاسی حضور داشته است؛ اما زندانی شدن و پس از آن ازدواج و بچه‌دار شدن، موجب شده است فعالیت‌های سیاسی او محدود به شرکت در گفت‌وگوها و بحث‌های گروهی شود. در رمان «ترلان»، ترلان و دوستش رعنا، مخفیانه در فعالیت‌های سیاسی شرکت دارند. در این رمان پدر رعنا، به عنوان یک مرد و نماینده تفکر سنتی، مانعی بر سر راه حضور این دو شخص به عرصه سیاست است. در رمان‌های هر دو نویسنده، تفکر مردسالاری به عنوان مانع حضور زنان در سیاست معرفی شده است که برخلاف رمان‌های دانشور، زنان در داستان‌های فریبا و فی نتوانسته‌اند بر این مانع غلبه کنند.

4-2) عاملیت زنان در عرصه اقتصادی

در جوامع سنتی، زنان را برای کار در خانه و مردان را برای کار در بیرون از خانه تربیت می‌کردند؛ زیرا به اعتقاد آنان «از لحاظ زیست‌شناختی وظیفهٔ او [مرد] به عنوان نان‌آور خانواده به شمار می‌رود» (تایسن، 1387: 156)؛ اما در جوامع صنعتی، این نگرش تغییر کرده است و زنان برای انجام کار وارد حوزه‌های مختلف کاری و اشتغال شده‌اند که از نتایج مثبت این امر، استقلال زنان بوده است (ساروخانی، 1382: 173). از دورهٔ مشروطه در ایران نیز زنان با وجود موانع فرصت حضور در مشاغل مختلف را به دست آوردند و تا امروزه این امر رو به گسترش بوده است (آوری، 1388: 37). زمینه‌های اقتصادی که افراد می‌توانند نقشی برعهده بگیرند، مختلف و شامل مسائلی مانند درآمد، اشتغال، مخارج، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود.

در داستان‌های دانشور، اکثر شخصیت‌های زن عامل وارد حوزه کاری شده‌اند؛ مانند توران، سیمین، فخری و خانم حکیم. برخی از آنان دغدغه ورود ندارند، به‌خصوص شخصیت‌های زن عامل در رمان سووشون بر اساس همان عادت‌واره‌های سنتی عمل می‌کنند. تنها هستی در داستان جزیره سرگردانی و ساریبان سرگردان است که برای اشتغال، با سلیم وارد مشاغل می‌شود و سرانجام می‌تواند به شغل خود نیز ادامه دهد. در رمان‌های وی، 33٪ از زمینه‌های عاملیت زنان در مسائل اقتصادی است که زنان در این عرصه، کمتر با موانعی همچون مردسالاری مواجه شده‌اند. در داستان‌های وفی، برخی از زنان عامل (24٪)، شاغل و وارد حوزه کاری شده‌اند؛ چنان‌که شهرنوش در داستان «ماه کامل می‌شود»، تنها زنی است که تلاش می‌کند با راهاندازی یک باشگاه ورزشی، به طور مستقل وارد عرصه اقتصادی شود. شهرنوش به دلیل آشنایی با فرهنگ غربی، به علت زندگی در آمریکا، اعتماد به نفس بیشتری از دیگر زنان در این زمینه دارد. می‌توان گفت که در داستان‌های هر دو نویسنده، عادت‌واره و منش هم خود زنان و هم مردان، برای حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی زنان نسبت به جامعه سنتی تغییر کرده است؛ با وجود این زنان در رمان‌های دانشور، بیشتر توانسته‌اند در این زمینه نقش عاملیت داشته باشند.

3-4) عاملیت زنان در عرصه اجتماعی و فرهنگی

عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی افراد، در جامعه امروز ایران نسبت به گذشته تغییر کرده است؛ مانند سبک زندگی، آموزش، شیوه ازدواج، روابط بین اعضای خانواده، طلاق، مسأله چندهمسری، تفریحات، که در ایجاد این تغییرات زنان نقش مؤثری داشته‌اند (آزادارمکی، 1393: 160). در داستان‌های دانشور 30٪ از زمینه عاملیت زنان، در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی به‌خصوص مسائل مربوط به ازدواج، طلاق و نحوه پوشش و آرایش است. در این زمینه، شخصیت‌های زن عامل در رمان سووشون، تقریباً نظام سنتی را پذیرفته‌اند؛ اما در رمان جزیره سرگردانی و ساریبان سرگردان، زنان دست به تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌زنند که در برخی موارد، با مقاومت جامعه مردسالار مواجه می‌شوند؛ چنان‌که هستی بر اساس خواست خود ازدواج می‌کند، طلاق گرفتنش از هستی بر مبنای میل خود و حتی در زمینه نوع پوشش نیز خود تصمیم‌گیرنده است؛ هرچند با مخالفت برخی از شخصیت‌های داستان مواجه می‌شود. در داستان‌های فریبا وفی بیشترین تغییرات را (62٪) زنان در زمینه اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده‌اند. این زنان با غلبه بر تفکرات سنتی، توانسته‌اند این باور را در خود ایجاد کنند که زنان می‌توانند در عرصه اجتماعی و فرهنگی برای خود تصمیم بگیرند.

در مجموع می‌توان گفت زنان در داستان‌های دانشور در تمام زمینه‌ها دست به تغییراتی زده‌اند که در زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تغییرات آنان از سوی جامعه پذیرفته شده است؛ اما در زمینه سیاسی، زنان هنوز نیاز به مبارزه برای دستیابی به اهداف‌شان دارند. در داستان‌های وفی، زنان نیز در همه عرصه‌ها عامل ایجاد تغییرات بوده‌اند؛ اما حضور زنان در عرصه فرهنگ و اجتماع بیشتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. همچنین به دلیل این‌که بستر تاریخی و اجتماعی داستان‌های وفی در مقایسه با داستان‌های دانشور از التهاب‌ها و تلاطم‌های سیاسی کمی دورتر است؛ عاملیت سیاسی زنان کمتر است.

زمینه‌های اعمال عاملیت زنان	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
سیاست	37%	14%
اقتصاد	33%	24%
اجتماعی و فرهنگی	30%	62%

جدول 1: توزیع فراوانی زمینه‌های عاملیت زنان

5) رابطه بین عاملیت با سرمایه‌های زنان

همان‌گونه که گفته شد، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلفی در ایجاد عاملیت زنان نقش دارند که بورديو از این عوامل با عنوان سرمایه یاد کرده است. از میان آن‌ها، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در ایجاد توانمندی افراد به خصوص زنان دارد و به آنان یاری می‌رساند تا به اهداف خود دست یابند. «این سرمایه به کاهش هزینه‌های عمل و تسهیل انجام برخی کنش‌ها و منابع سودمندی برای اعضا کمک می‌کند. سرمایه اجتماعی، با توانایی خود در تلفیق مفاهیم اعتماد اجتماعی، هنجارهای مشوق عمل جمعی و شبکه‌های تعامل، توانسته در عرصه‌های عملی برای تبیین مسائل بهره‌برداری شود» (شکریگی، 1390: 91). چنان‌که در جدول 2 نشان داده شده است، شخصیت‌های زن عامل در داستان‌های دانشور نیز بیشتر از سرمایه اجتماعی (38%) استفاده کرده‌اند و در مرتبه بعد، سرمایه فرهنگی (34%) قرار دارد؛ چنان‌که در داستان جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان، هستی از سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود، یعنی داشتن ارتباط با شخصیت‌هایی همچون سیمین، اعتماد به آنان، داشتن مدرک دانشگاهی، نقاش بودن، برخی از عادت‌واره‌های جامعه سنتی مانند فعالیت نداشتن زن در زمینه اقتصادی و مسائل مربوط به ازدواج را کنار می‌گذارد. زری در داستان سووشون، در یک شبکه ارتباط اجتماعی و متأثر از این ارتباط‌ها، مانند ارتباط با یوسف، خان کاکا، مک ماهون، دکتر

عبدالله خان و همچنین داشتن تحصیلات سرانجام تصمیم به تغییر اندیشه می‌گیرد و وارد مبارزه سیاسی می‌شود.

گرچه دانشور در داستان‌های خود متأثر از مارکسیسم فمینیست‌ها، استقلال مالی زن را از عوامل مؤثر در ایجاد نقش عاملیت می‌داند؛ اما شخصیت‌های زن عامل در داستان‌های او، با وجود داشتن وضعیت اقتصادی تقریباً مطلوب، خیلی کم برای ایجاد تغییرات از سرمایه اقتصادی (14٪) استفاده کرده‌اند. در زمینه سرمایه نمادین نیز وضعیت مانند سرمایه اقتصادی (14٪) است؛ بنابراین می‌توان مدعی شد که از نظر دانشور، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، مهمترین عامل برای ایجاد تغییرات اجتماعی، عادت‌واره‌ها و منش‌های زنان است تا آنان بتوانند با ایجاد تغییرات در حوزه‌های مختلف، وضعیت زندگی خود را برای مطلوب شدن تغییر بدهند.

شخصیت‌های عامل در داستان‌های وفی بیشتر از سرمایه‌های فرهنگی (71٪) استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که رعنا و دیگر زنان عامل در داستان «ترلان» نیز با استفاده از سرمایه‌های فرهنگی خود وارد یک پادگان نظامی می‌شوند تا آموزش‌های لازم را برای پلیس زن شدن ببینند و شهلا و شعله، با استفاده از مدرک تحصیلی خود وارد بازار کار می‌شوند. 19٪ از زنان عامل در این داستان‌ها، با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی عامل تغییرات می‌شوند؛ برای مثال شیوا با ارتباط برقرار کردن با افرادی که فعالیت سیاسی دارند، وارد مبارزات سیاسی می‌شود. ارتباط برقرار کردن فرزانه با انسانی عارف مسلک، باعث می‌شود او در شیوه فکری خود تغییراتی ایجاد کند. زنان عامل در داستان‌های وفی وضعیت اقتصادی بسیار مطلوبی ندارند. تنها 5٪ از زنان عامل با تکیه بر سرمایه‌های اقتصادی خود تلاش می‌کند دست به ایجاد تغییرات بزنند. در زمینه سرمایه‌های نمادین نیز وضعیت به همین صورت (5٪) است.

بنابراین باید گفت سیمین دانشور بیشتر بر سرمایه‌های اجتماعی تأکید داشته است؛ اما وفی معتقد است سرمایه‌های فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تغییرات از سوی زنان داشته باشد؛ البته دانشور به سرمایه‌های فرهنگی نیز بسیار توجه نشان داده است؛ درحالی‌که سرمایه‌های اجتماعی در نظر وفی جایگاه چندانی ندارند. هر دو نویسنده چندان به سرمایه اقتصادی و نمادین توجه نشان نداده‌اند.

عوامل مؤثر بر عاملیت زنان	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
سرمایه اجتماعی	38%	19%
سرمایه فرهنگی	34%	71%
سرمایه اقتصادی	14%	5%
سرمایه نمادین	14%	5%

جدول 2: توزیع فراوانی رابطه بین عاملیت زنان با سرمایه

6) جایگاه شخصیت‌های زن عامل در رمان‌های دانشور و وفی

از نظر فمینیست‌ها، زنان کمتر از الگوی ساده فردی برخوردار هستند؛ زیرا آنان در زندگی، بیشتر باید در جهت توازن منافع و طرح‌های دیگران عمل کنند. بدین سان، برنامه‌ریزی‌ها و عملکردهای زنان، با توجه به انواع منافع شخصی و منافع دیگران طرح‌ریزی می‌شود و از همه بالاتر بیشتر در جهت همکاری‌اند تا تسلط (ریترز، 1385: 511)؛ بنابراین نویسندگان فمینیست از زنان می‌خواهند تا این نگرش را تغییر دهند و بیشتر به دنبال استقلال و توجه به اولویت‌های فردی باشند و در این راه از داستان و شخصیت‌های داستانی برای ارائه الگو استفاده کرده‌اند؛ زیرا «کارهای هر شخصیت داستان می‌تواند مورد تقلید و تکرار قرار گیرد، در عرصه زندگی بسیار مؤثر واقع شود و تأثیرهای خوش یا ناخوشایندی در جامعه به جا بگذارد» (میرصادقی، 1385: 83). در رمان‌های دانشور، بسامد شخصیت‌های عامل (41٪) کمتر از شخصیت‌های غیرعامل (59٪) است. بستر تاریخی داستان‌های دانشور تقریباً مربوط به جنگ جهانی دوم تا جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی است. در این دوره، هنوز بسیاری از زنان با مسائل فمینیستی و نگرش‌های نوین آشنا نبودند و حتی برخی آگاهانه نقش سنتی زن را پذیرفته بودند؛ بنابراین شخصیت‌های زن غیرعامل در جامعه بیشتر از زنان عامل بوده است و دانشور نیز در رمان‌های خود این مسأله را بازنمایی کرده است؛ با این حال، شخصیت‌های عامل در داستان‌های دانشور، از شخصیت‌های اصلی داستان (100٪) هستند؛ مانند زری در داستان سووشون و هستی در داستان جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان. از نظر حضور فعال و مهم در داستان، 99٪ از شخصیت‌های فعال و مهم داستان، از میان شخصیت‌های عامل انتخاب شده‌اند و شخصیت‌های غیرعامل در این زمینه نیز نقش (1٪) چندانی ندارند. در میان شخصیت‌های عامل تنها محدودی (1٪) شخصیت‌های منفی‌اند که از این میان می‌توان به بخش اول زندگی مامان عشی در رمان جزیره سرگردانی اشاره کرد که متأثر از اندیشه‌های غربی، برخی از حریم‌های خانواده ایرانی را

رعایت نمی‌کند. داستان‌های فریبا وفی در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی رخ می‌دهند. در مقایسه با بازه زمانی داستان‌های دانشور (جنگ جهانی دوم تا جنگ تحمیلی) زنان در این سال‌ها بیش از پیش با اندیشه‌های نوین آشنا شده‌اند. تحولات ناگزیر اجتماعی همانند فراگیر شدن آموزش و کمرنگ‌تر شدن تفکرات مردسالار و سنتی، موجب رشد بسامد زنان عامل و مشارکت بیش از پیش آنان در تغییرات و پیشرفت‌های اجتماعی شده است. این موضوع در داستان‌های وفی مشهود است. 55٪ شخصیت‌های زن در داستان‌های او زنان عامل هستند. 95٪ شخصیت‌های اصلی داستان‌های وفی زنانی عامل‌اند و تنها شخصیت اصلی زن داستان «پرنده‌ی من» از این میان استثناء است. اغلب شخصیت‌های عامل در داستان‌های وفی مثبت هستند (90٪) و نقش‌های مهم و فعال داستان (98٪) را برعهده دارند.

دو رویکرد فمینیستی مهم درباره زنان، رویکرد رفاهی و عاملیت است. در رویکرد رفاهی، تلاش بر این است که رفتار عادلانه‌تری با زنان بشود؛ اما در رویکرد عاملیت، این نگرش وجود دارد که خود زنان باید برای ایجاد تغییرات در صحنه اجتماع حضور یابند. ابتدا جنبه‌های رفاهی منحصرأ مورد توجه بودند؛ اما هدف‌ها، به تدریج تکامل یافتند و کانون توجه رفاه‌گرا بسط یافت، نقش عاملیت زنان را دربرگرفت و بر آن تأکید ورزید. دیگر به زن‌ها به صورت دریافت‌کنندگان غیرفعال کمک، برای ارتقای رفاه‌شان نگریسته نشد؛ به زنان به صورت عوامل فعال برای ایجاد تحول و به صورت ترویج‌کنندگان پویایی دگرگونی‌های اجتماعی که می‌توانند زندگی زنان و مردان هر دو را متحول سازند، نگریسته می‌شود (کاظمی، 1383: 80؛ سن، 1381: 263). بررسی شخصیت‌های عامل نشان می‌دهد که دانشور و وفی، در رمان‌های خود، به رویکرد دوم توجه داشته‌اند. از نظر این دو نویسنده، به خود زنان باید آموزش و سرمایه‌های مورد نیاز، برای ایجاد تغییر و تحول داده شود تا آنان خود زمینه‌های لازم را برای تغییرات ایجاد کنند.

مشخصات داستانی شخصیت‌های زن عامل و غیرعامل	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
شخصیت‌های زن عامل	41%	55%
شخصیت‌های زن غیرعامل	59%	45%
شخصیت‌های زن عامل در نقش شخصیت اصلی	100%	95%
شخصیت‌های زن عامل در نقش مهم و فعال	99%	98%
شخصیت‌های زن عامل مثبت	99%	90%

جدول 3: توزیع فراوانی مشخصات داستانی شخصیت‌های زن عامل و غیرعامل

7) رابطه بین عاملیت زنان با طبقه اجتماعی

ساختار طبقات در جامعه ایرانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: طبقه بالا که شامل گروه‌هایی مانند اعضاء خانواده سلطنتی، مأموران عالی رتبه حکومتی، فرماندهان نظامی وابسته به حکومت، قضات، سرمایه‌داران، روحانیون وابسته به حکومت و زمین‌داران می‌شوند. طبقه فرودست، کارگران، دهقانان، نیروهای ماقبل سرمایه‌داری هستند و طبقه متوسط خود به دو دسته تقسیم می‌شود: طبقه متوسط سنتی که پیشه‌وران، کسبه، تجار و روحانیون هستند و طبقه متوسط جدید؛ یعنی حقوق‌بگیران دولت و تحصیل‌کردگان در سمت‌های مختلف (ازغندی، 1385: 122-106).

نتایج جدول 4، نشان‌دهنده رابطه مثبت بین عاملیت زنان با طبقه اجتماعی است. در داستان‌های سیمین دانشور، زنان عامل بیشتر (90٪) از میان زنان طبقه متوسط به‌خصوص متوسط جدید انتخاب شده‌اند؛ برای مثال می‌توان به شخصیت‌هایی همچون هستی (کارمند)، سیمین (استاد دانشگاه)، توران (معلم)، فرخنده (دانشجو و فعال سیاسی) در داستان جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان اشاره کرد و 10٪ نیز به زنان طبقه فرادست اختصاص داشته است؛ برای مثال می‌توان از شخصیت‌هایی همچون زری (زهره) و فاطمه در داستان سووشون نام برد که در یک خانواده زمین‌دار و اربابی زندگی می‌کنند.

زنان طبقه فرودست نقش عاملیت در این داستان‌ها نداشته‌اند. علت این امر را باید در میزان دست‌رسی زنان به سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین دانست. همان‌گونه که گفته شد، از نظر بودریو، برای تغییر ساختار جامعه، نیاز به داشتن انواع مختلف سرمایه است و از آن‌جا که در داستان‌های سیمین دانشور، بستر تاریخی داستان‌ها از اواخر پهلوی اول تا انقلاب اسلامی هستند و هنوز قشرهای اجتماعی فرودست جامعه نتوانسته‌اند به تحصیلات چندانی کسب کنند و سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه در اختیار طبقه متوسط و فرادست جامعه است، نقش عاملیت برای زنان طبقه فرودست قائل نشده‌اند. اما زنان طبقه متوسط و فرادست جامعه از انواع سرمایه برخوردار هستند؛ چنان‌که هستی هم سرمایه اجتماعی و ارتباط اجتماعی با شخصیت‌های مهم دارد هم سرمایه فرهنگی (مدرک کارشناسی) و از این سرمایه برای تغییر ساختار اجتماعی جامعه به‌خصوص در زمینه نقش زنان در مسائلی همچون کار و ازدواج استفاده می‌کند. یا زری در داستان سووشون، هم از سرمایه نمادین (شهرت خانوادگی)، هم اقتصادی (ارباب بودن شوهر و داشتن زمین)، هم سرمایه اجتماعی (ارتباط خانواده با شخصیت‌های مهم جامعه) برخوردار است و سرانجام با تکیه بر این سرمایه‌ها، وارد حوزه سیاست و مبارزه می‌شود. در داستان‌های فریبا و فوی، تمام شخصیت‌ها از طبقه متوسط جدید انتخاب شده‌اند و هیچ کدام از

زنان عامل از طبقه فرادستان یا فرودستان نیستند. ترلان (دانشجو و فعال سیاسی)، فرزانه (مترجم)، شیوا (خانه‌دار و فعال سیاسی)، شعله (پرستار) و دیگر شخصیت‌های عامل در این داستان‌ها، همگی متعلق به طبقه متوسط اجتماع هستند. بنابراین می‌توان گفت که دانشور و وفی، این دیدگاه را دارند که زنان طبقه فرودست از سرمایه‌های مختلف بی‌بهره‌اند و هنوز نمی‌توانند نقش عاملیت داشته باشند.

از نظر رابطه بین طبقه اجتماعی شخصیت‌ها در داستان و طبقه نویسنده، باید گفت سیمین دانشور، جزو طبقه متوسط جدید جامعه بوده است. پدر وی از خانواده بود که طبابت می‌کردند. مادرش نقاشی می‌کرد و مدیریت هنرستان‌های زیبا را برعهده داشت (عزیزی، 1383: 40-41). پس از ازدواج با آل احمد نیز هر دو به شغل معلمی و استادی پرداختند؛ بنابراین همان‌گونه که نویسنده به طبقه متوسط جدید جامعه تعلق دارد؛ شخصیت‌های زن عامل در داستان را نیز از میان این طبقه بیشتر انتخاب کرده‌است و بدین ترتیب باید گفت تجربه‌های طبقاتی دانشور در انتخاب شخصیت‌های داستانی وی نیز تأثیر داشته است. «بررسی خاستگاه اجتماعی سیمین دانشور و مقایسه آن با خاستگاه شخصیت‌های زن داستان، بیانگر آن است که تجربه‌های طبقاتی دانشور در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیرگذار هستند. آن‌چه مسلم است، این است که دانشور شخصیت‌های داستان‌هایش را از هر کدام از طبقات که باشند، بیشتر از آدم‌های دور و بر خودش انتخاب می‌کند. [...] دانشور در آثار ادبی پیوند میان ساختارهای ذهنی سازنده آگاهی جمعی و ساختارهای زیبایی‌شناختی سازنده اثر هنری بازتاب دارد» (قبری و دائی‌زاده، 1395: 91-115).

فریبا وفی نیز متعلق به طبقه متوسط اجتماع است و شناخت او از طبقه متوسط اجتماع، آگاهی از وضعیت زنان و تجربه شخصی او به عنوان یک زن، در انتخاب زنان عامل از طبقه متوسط تأثیرمستقیم داشته است. گفتنی است که در موج سوم فمینیسم، منتقدان به نوعی به انتقاد از موج دوم فمینیسم پرداختند. «اغلب آن را به یک جنبه‌گری، مطلق‌انگاری و حاشیه‌گذاری بسیاری از زنان، و بی‌توجهی به شرایط و مطالبات متفاوت زنان در قشرها، فرهنگ‌ها و وضعیت‌های متفاوت محکوم کردند» (رودگر، 1394: 63). در رمان‌های دانشور و وفی نیز بیشتر به زنان طبقه متوسط و مسأله عاملیت آنان توجه شده و دیگر قشرهای زنان و توانمندسازی‌شان برای عاملیت نادیده گرفته شده است که از این نظر، می‌توان گفت انتقادها در موج سوم فمینیسم متوجه این نویسندگان ایرانی نیز می‌شود.

وضعیت طبقاتی	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
طبقه فرادستان	10%	-
طبقه فرودستان	-	-
طبقه متوسط	90%	100%

جدول 4: توزیع فراوانی رابطه بین عاملیت زنان با طبقه

8) رابطه بین عاملیت زنان با سن

همان‌گونه که در جدول 5 نشان داده شده است، در داستان‌های دانشور، هر چه سن شخصیت‌های زن به بالاتر از سی سال می‌رود، از میزان عاملیت آنان کاسته می‌شود. این نشان می‌دهد که از نظر دانشور، زنان در رده 20-30 سال بیشترین امکانات را برای کسب ابزارهای لازم جهت توانمندسازی خود دارند. وضعیت جامعه ایرانی دهه بیست تا شصت، سبب شده است تا دانشور به این نتیجه برسد. از دوران مشروطه به بعد زنان اجازه حضور در مدارس دخترانه را داشتند؛ اما از دهه بیست به بعد است که زنان می‌توانند به صورت آزادانه‌تری وارد دانشکده‌های مختلف مانند دانشکده هنرهای زیبا و هنرهای تزئینی شوند و آموزش‌های لازم را ببینند؛ بنابراین زنانی که از نظر سنی، می‌توانستند از این امکانات استفاده کنند، زنان بین 20-30 سال بوده‌اند که دانشور نیز در داستان‌های خود به آنان توجه نشان داده است. نکته در خور تأمل این که دانشور، به رده سنی زیر بیست سال و شیوه تربیت آنان برای عامل شدن، بی‌توجه بوده است؛ در حالی که نگرش به دوران کودکی و نوجوانی و شیوه تربیت زنان در این برهه زمانی، می‌تواند نقش بسیار مهمی در این زمینه داشته باشد.

در داستان‌های وفی به مسأله آموزش در سن نوجوانی و تأثیر آن بر عاملیت زنان توجه شده است؛ برای مثال ترلان و رعنا در دبیرستان با تفکرات سیاسی آشنایی پیدا می‌کنند و با آن که موانعی بر سر راهشان قرار دارد و نمی‌توانند راه خود را در زمینه تغییرات سیاسی ادامه دهند، با وارد شدن به پادگان نظامی، در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به اعمال تغییرات دست می‌زنند. 57٪ از زنان عامل در داستان‌های وفی زیر بیست سال (در محدوده سنی 18-20) قرار دارند. نکته دیگر در داستان‌های وفی در مقایسه با داستان‌های دانشور، این است که گرچه با بالا رفتن سن زنان، میزان عاملیت آنان سیر نزولی پیدا کرده است، نکته حائز اهمیت بالاتر بودن درصد زنان عامل بالای 45 سال نسبت به دو بازه سنی 20-30 و 30-45 سال است. این بدین معناست که از نظر وفی، زنان بالای 45 سال به توانمندسازی خود و تلاش برای اعمال تغییرات

توجه بیشتری نشان داده‌اند. این مسأله را می‌توان ناشی از این امر دانست که در سال‌های پس از انقلاب -بازه زمانی که داستان‌های وفی در آن شکل می‌گیرند- بسترهای مختلف شغلی، آموزشی، فرهنگی و ... بیش از پیش در اختیار زنان قرار گرفته است.

وضعیت سنی	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
زیر 20	-	57%
بین 20-30	53%	14%
بین 30-45	27%	10%
بالای 45	20%	19%

جدول 5: توزیع فراوانی رابطه بین عاملیت زنان با سن

9) رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت تحصیلی

نتایج جدول 6 نشان‌دهنده این است که از نظر دانشور و وفی، هر چه بر میزان سواد و تحصیلات زنان افزوده شود، تأثیرگذاری آنان بر جنبه‌های مختلف زندگی‌شان بیشتر می‌شود. در داستان‌های آنان، هیچ زن بی‌سوادی نقش عاملیت ندارد و زنانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند، عاملیت‌شان محدود به یک زمینه بوده است؛ مانند زری در داستان سووشون که تنها عادت‌واره خود در زمینه سیاست را تغییر می‌دهد. همچنین شیوا در «رویای تبت» تحصیلات دانشگاهی ندارد و وی نیز در حوزه سیاست تأثیرگذار است. در مقابل، هر چه بر میزان سواد زنان افزوده شود، آنان بیشتر می‌توانند بر حوزه‌های مختلف مردسالار جامعه مانند خانواده، سیاست، اجتماع و اقتصاد تأثیر بگذارند.

وضعیت تحصیلی	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
بی‌سواد	-	-
تا دیپلم	15%	19%
دانشگاهی	85%	81%

جدول 6: توزیع فراوانی رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت تحصیلی

10) رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت شغلی

اشتغال از عوامل مؤثر بر عاملیت زنان و دستیابی آنان به استقلال است. به اعتقاد فمینیست‌ها برای این که بفهمیم چرا بر زنان ستمی می‌رود که بر مردان نمی‌رود، باید پیوندهای میان منزلت کار زنان و تصویری را که از خود دارند، بررسی کنیم (تانگ، 1387: 75). در ایران از مشروطه به بعد، بر تعداد زنان شاغل افزوده شده است؛ به گونه‌ای که در بین سال‌های 1335 تا 1355 حدود 12٪ از جمعیت شاغل را زنان تشکیل می‌دادند (اعزاز، 1389: 145) که این امر نیز نویسندگان را تحت تأثیر قرار داد. در داستان‌های مورد بررسی، بر اساس جدول 7، رابطه بین عامل بودن و وضعیت شغلی مثبت و بدین شکل است که در داستان‌های دانشور، شخصیت‌های زن عامل، اکثر شاغل هستند و به کارهای مختلفی مانند استادی (سیمین)، معلمی (توران)، کارمندی (هستی) و منشی‌گری (فخری) می‌پردازند و تنها تعداد معدودی بی‌کار یا خانه‌دار هستند. در داستان‌های وفی نیز همین وضعیت وجود دارد و حتی بیشتر از دانشور به تأثیر اشتغال برای توانمندسازی زنان توجه نشان داده است؛ چنان‌که اکثر زنان در داستان‌های وی شاغل هستند و به کارهایی همچون پرستاری (شعله)، کارمندی (شهلا) و مترجمی (فرزانه) می‌پردازند و تنها یک نفر (شیوا) خانه‌دار است.

وضعیت شغلی	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
شاغل	80%	95%
خانه‌دار	20%	5%

جدول 7: توزیع فراوان رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت شغلی

11) رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت زندگی

جدول 8 نشان می‌دهد که در داستان‌های دانشور، اکثر شخصیت‌های زن عامل ازدواج یا نامزد کرده‌اند و زن‌های عامل مجرد، بسامدشان کم است. در جامعهٔ مردسالار، پدر/شوهر، مهمترین مانعی است که به زنان چه در نقش فرزند و چه در نقش همسر، اجازهٔ انجام بسیاری از فعالیت‌ها را نمی‌دهند. دانشور در داستان‌های خود، به رابطهٔ بین همسر و شوهر پرداخته و از طریق داستان‌های خود، نشان داده است که با برداشتن این مانع، زنان بهتر می‌توانند عاملیت خود را در جامعه نشان دهند و شاید بتوان گفت بدین سبب است که وضعیت تأهل را برای شخصیت‌های زن انتخاب کرده است. گفتنی است برخی از شوهران در داستان‌های دانشور خود

نقش مؤثری در عاملیت زنان دارند؛ مانند یوسف در داستان سووشون و مراد در داستان ساربان سرگردان؛ با این حال در جامعه داستانی وی، غلبه با شوهران مردسالار است. در داستان‌های وفی، 38٪ زنان مجرد و 19٪ متأهل هستند. این امر نشان می‌دهد که مخاطبی که وفی برای داستان‌های خود انتخاب کرده، متفاوت از مخاطب داستان‌های دانشور است. مخاطب بیرونی داستان‌های وفی، شخصیت‌های جوان و مجرد هستند و وفی می‌کوشد به صورت پوشیده این طیف را به سمت عاملیت سوق دهد.

وضعیت زندگی	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
متأهل	73%	19%
مجرد	27%	38%

جدول 8: فراوانی توزیع رابطه بین عاملیت زنان با وضعیت زندگی

12) رابطه بین عاملیت زنان با نوع نگرش جنسیتی زنان

در برخورد با غرب و آشنایی با تفکرات جدید به‌خصوص اندیشه‌های فمینیستی بود که زنان به مبارزه با اندیشه‌های مردسالار برخاستند و دیگر به انتظاراتی که از آنان در جامعه مردسالار می‌رفت، عمل نکردند یا کمتر به آن‌ها توجه نشان دادند. در برخورد با تفکرات فمینیستی، رویکردها و گفتمان‌های مختلفی شکل گرفت: برخی بر این اعتقاد شدند که زنان باید مانند زنان غربی عمل کنند؛ عده‌ای به این نتیجه رسیدند که باید بر مبنای ویژگی‌های مثبت سنت و مدرنیته عمل کرد و تعدادی نیز بر این شدند که بر اساس همان باورهای سنتی باید عمل نمود و در صورت نیاز به تغییر، این تغییرات نیز باید بر مبنای اصول سنتی باشد. همان‌گونه که در جدول شماره 9 نشان داده شده است، در داستان‌های دانشور هر سه نگرش وجود دارد. در رمان سووشون بیشتر شخصیت‌های عامل اصلی، تفکرات سنتی دارند که با آشنایی اندکی با فمینیسم و البته به صورت غیرمستقیم، دست به تغییرات می‌زنند؛ اما در رمان جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان، اکثر زنان عامل، تفکرات فمینیستی دارند و تعداد کمتری بر اساس اندیشه‌های سنتی عمل می‌کنند. در داستان‌های دانشور شخصیت‌هایی که تفکر بین‌بین مانند شخصیت هستی دارند، بسامدشان اندک است؛ اما دانشور این نوع نگرش را برای زنان ایرانی برجسته کرده است.

در داستان‌های فریبا وفی، زنان عامل، تفکرات سنتی را رها کرده‌اند و هیچ کدام از این زنان تفکر سنتی ندارند. شاید در وهله نخست این انتظار به وجود بیاید که کمرنگ شدن تفکر سنتی (در گذر زمان) مساوی است با پر رنگ شدن تفکرات فمینیستی. اما آنچه بررسی داستان‌های

وفی نشان می‌دهد رشد تفکر بین بین است. زنان عامل در داستان‌های او اغلب نه کاملاً رها از تفکرات سنتی و نه به طور کامل نماینده تفکر فمینیسم غربی هستند. آشنایی بیش از پیش زنان با اندیشه‌های فمینیستی و همچنین اطلاع یافتن زنان از موارد متناقض این نوع اندیشه با فرهنگ ایرانی، می‌تواند عاملی مهم در شکل‌گیری نگرش بین بین زنان در جامعه باشد که فریبا وفی در پرورش شخصیت‌های خود بیشتر از نمایندگان این نوع تفکر بهره برده است.

نوع نگرش	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
فمینیستی	55%	19%
سنتی	27%	0
بین‌بین	18%	81%

جدول 9: توزیع فراوانی رابطه بین عاملیت زنان با نوع تفکر و نگرش

13) شیوه بازنمایی عاملیت زنان

در جدول 10، نحوه نگرش نویسندگان به عاملیت زنان بررسی شده است. سیمین دانشور، نگرشی مثبت به شخصیت‌های عامل در داستان‌هایش داشته است و تنها معدودی از شخصیت‌های عامل زن، بازنمایی منفی داشتند و آنان زنانی بوده‌اند مانند مامان عشی در داستان جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان که برخلاف موازین اسلامی عمل کرده‌اند. نگرش فریبا وفی نیز به عاملیت زنان، نگرشی مثبت است. اغلب شخصیت‌های عامل در داستان‌های او نقش مثبت دارند و عاملیت آن‌ها در داستان‌ها به صورت مثبت نمایان شده است. تنها افراد معدودی مثل اوحدی در داستان «ترلان» به دلیل این‌که از عاملیت خود در جهت منافع شخصی و دور از هنجارهای انسان دوستانه بهره می‌برند، بازنمایی منفی داشتند.

نحوه بازنمایی عاملیت زنان	رمان‌های دانشور	رمان‌های وفی
مثبت	95%	91%
منفی	5%	9%

جدول 10: توزیع فراوانی نحوه بازنمایی عاملیت زنان در رمان‌های مورد بررسی

نتیجه گیری

دانشور و وفی، به عنوان دو نویسنده دارای نگرش‌های فمینیستی، بر رویکرد عاملیت، برای زنان تأکید داشته‌اند تا رویکرد رفاه‌گرایی و رویکرد عاملیت، در آثار آنان بازتابی مثبت دارد. از نظر آنان، باید زنان را توانمند کرد تا آنان خود زمینه‌های تغییر را ایجاد کنند. دانشور از میدان‌های مختلفی مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نام می‌برد که زنان باید عاملیت و کارگزاری خود را نشان دهند که در این بین، بیشتر به عرصه سیاست توجه نشان داده است؛ چرا که از نظر او، سیاست و قوانین سیاسی، از مهمترین موانع حضور زنان در اجتماع هستند و با تغییر منش و عادت‌واره‌های ایجاد شده در این زمینه، می‌توان زمینه‌های عاملیت زنان را فراهم کرد. در مقابل، وفی برخلاف دانشور بر عاملیت زنان در میدان‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید داشته و از زنان خواسته است تا موانع موجود در این زمینه را که بیشتر نگرش‌های مردسالارانه هستند، برطرف کنند. برای ایجاد این تغییرات، دانشور بیشتر سرمایه اجتماعی، یعنی استفاده از شبکه ارتباطی با دیگران و سرمایه فرهنگی مانند داشتن مدرک دانشگاهی و داشتن مهارت‌های مختلف را برجسته کرده است؛ در حالی که شخصیت‌های زن در رمان‌های وفی بیشتر از سرمایه فرهنگی استفاده کرده‌اند و به دیگر سرمایه‌ها توجهی نشان نداده‌اند.

از نظر داستانی، شخصیت‌های زن عامل در رمان‌های هر دو نویسنده، معمولاً شخصیت‌های اصلی و مثبت رمان‌ها هستند و نقش فعال در حوادث دارند. گفتنی است که این نویسندگان، کوشیده‌اند از طریق شخصیت‌های داستانی، برای خوانندگان رمان‌های خود، الگوهایی ارائه دهند تا با تأثیرپذیری خوانندگان از آنان، رویکرد عاملیت، در جامعه نهادینه شود.

از نظر اجتماعی، در رمان‌های دانشور، شخصیت‌های عامل بیشتر از طبقه متوسط جدید هستند و در برخی موارد به شخصیت‌های فرادست جامعه نیز توجه نشان داده است؛ اما در رمان‌های وفی همه شخصیت‌های عامل برگرفته از طبقه متوسط جدید هستند. گفتنی است که این دو نویسنده خود جزو طبقه متوسط جدید بودند و انتخاب شخصیت‌های داستانی‌شان، تا حدودی متأثر از این امر بوده است و به گونه‌ای آن دو، مسائل زنان طبقه خود را مطرح کرده‌اند. از نظر سن، شخصیت‌های عامل در رمان‌های دانشور بین بیست تا سی سال سن دارند که علت آن را باید در زمان رویداد حوادث رمان‌هایش، یعنی دوره پهلوی دوم تا انقلاب اسلامی جست و جو کرد. در این دوره تازه زنان توانسته بودند با آزادی بیشتر وارد دانشگاه شوند و بر این اساس، این رده سنی، از امکانات مناسب برای ایجاد تغییر در میدان‌های مختلف برخوردار بودند. شخصیت‌های عامل در رمان‌های وفی سن‌شان زیر بیست سال است و این نشان می‌دهد که او به آموزش زنان در رده پایین توجه داشته است. گفتنی است که بستر تاریخی رمان‌های وفی

بیشتر بعد از انقلاب اسلامی است که زنان از امکانات بیشتری از جمله تحصیل برخوردار هستند؛ بنابراین وفی با توجه به این حقایق تاریخی، بیشتر به مسأله آموزش در رده پایین توجه نشان داده است؛ چنان که زنان عامل در رمان‌های او، از نظر وضعیت زندگی برخلاف دانشور، بیشتر مجرد هستند. شخصیت‌های زن عامل در رمان‌های هر دو نویسنده، تحصیل کرده-بیشتر دارای تحصیلات دانشگاهی - و شاغل هستند و به کارهای مختلف کارمندی، معلمی، استادی و مانند این می‌پردازند. از نظر نوع نگرش جنسیتی، زنان عامل در رمان‌های دانشور، بیشتر نگرش فمینیستی دارند؛ با این حال در رمان‌های او زنانی که نگرش بین‌بین دارند، مثبت‌تر جلوه داده شده‌اند. در رمان‌های وفی، زنان بیشتر نگرشی بین سنت و مدرنیته دارند و این نگرش را نویسنده با خوب‌نمایی، بازنمایی کرده است. انتقادی که بر اساس نگرش موج سوم فمینیست بر کار این دو نویسنده وارد است، این که این دو نویسنده فقط به مسائل زنان طبقه متوسط و عاملیت آنان در رمان‌های خود توجه نشان داده‌اند و دیگر قشرهای زنان در رمان‌هایشان جایگاهی ندارد.

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلا (1387). **جامعه‌شناسی سیاسی زنان**. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- آزادارمکی، تقی (1393). **جامعه‌شناسی خانواده ایرانی**. تهران: سمت.
- آوری، پیتیر (1388). **تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضاه شاه تا انقلاب اسلامی)**. ج 7. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
- ازغندی، علیرضا (1385). **درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**. تهران: نشر قومس.
- اعزازی، شهلا (1389). **جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- الوانی، مهدی؛ سیدنقوی، میرعلی (1381). «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها». **مطالعه مدیریت (بهبود و تحول)**. د 9، ش 33 و 34. صص 9-26.
- بورديو، پی.یر (1394). **نظریه کنش**. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تانگ، رزمی (1387). **درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی**. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی.
- تایسن، لوئیس (1387). **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز و قلم نوین.
- جوادی یگانه، محمدرضا و لاخانی، مهدی (1380). **تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده**. تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
- حسینی، مریم و سالارکیا، مژده (1392). «بررسی تأثیر سرمایه‌های زنان بر نقش سلطه در رمان رویای تبت بر اساس نظریه کنش پی.یر بورديو». **فصلنامه جستارهای داستانی**. ش 4. صص 17-40.
- دانشور، سیمین (1380). **جزیره سرگردانی**. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- دانشور، سیمین (1385). **ساریان سرگردان**. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- دانشور، سیمین (1397). **سووشون**. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- دلاور، علی (1395). **مبنای نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. تهران: انتشارات رشد.
- رودگر، نرجس (1394). **فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد**. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- روشه، گی (1387). **تغییرات اجتماع**. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.

- ریتزر، جورج (1385). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (1382). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: سروش.
- سن، آمارتیا (1381). **توسعه به مثابه آزادی**. ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات کویر.
- شکریگی، عالیه (1390). **مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده**. تهران: جامعه‌شناسان.
- عباس‌زاده خداوردی؛ طاهرلو، هانیه (1390). «سیمای زن در آثار سیمین دانشور». **مجله بهارستان سخن**. ش 18. صص 31-50.
- عبداللهیان، حمید (1396). **کارنامه نثر معاصر**. تهران: انتشارات پایا.
- عزیزی، محمدحسین (1383). «پدر سیمین». **بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور)**. به کوشش علی دهباشی. تهران: سخن.
- قربانی جویباری، کلثوم (1394). «بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف». **مجله زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی)**. د 23. ش 79. صص 219-245.
- غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل (1389). **جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی**. تهران: آگرا، لویه.
- قبادی، حسینعلی، نوری، علی (1388). «نمادپردازی در رمان‌های سیمین دانشور». **گوهر گویا**. ش 3. صص 63-86.
- قنبری، بیتا؛ دائی‌زاده جلودار، امین (1395). «تحلیل جامعه‌شناختی آثار سیمین دانشور». **فصلنامه جامعه‌پژوهشی فرهنگی**. س 7. ش 4. صص 91-115.
- کاظمی، نصرت (1383). «زنان، توسعه و آموزش». **پیک‌نور**. د 2، ش 2. صص 78-83.
- کهدویی، محمدکاظم؛ شیروانی مرضیه (1388). «شخصیت‌پردازی قهرمان زن در رمان‌های شوهر آهو خانم و سووشون». **نامه پارسی**. ش 48 و 49. صص 71-86.
- گیدنز، آنتونی (1381). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مالمیر، تیمور، زاهدی، چنور (1393). «ساختار روایت زنانه در رمان پرنده من نوشته فریبا وفی». **متن - پژوهشی ادبی**. ش 58. صص 47-68.
- مرادی، علی (1397). «مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان؛ مورد مطالعه شهر کرمانشاه». **دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**. س 7. ش 1. صص 151-182.
- میرصادقی، جمال (1385). **عناصر داستان**. تهران: سخن.
- میرعابدینی، حسن (1380). **صد سال داستان‌نویسی**. تهران: سخن.

ناجی‌راد، محمدعلی (1382). **موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی-اقتصادی ایران**

پس از انقلاب. تهران: کویر.

وفی، فریبا (1381). **پرندۀ من**. تهران: مرکز.

وفی، فریبا (1382). **ترلان**. تهران: مرکز.

وفی، فریبا (1384). **رویای تبت**. تهران: مرکز.

وفی، فریبا (1384). **ماه کامل می‌شود**. تهران: مرکز.